

دختران و کرک

قصه‌هایی تأثیر گذار و اعترافاتی دردآور، از دخترانی که در دام گرگ‌ها و لجنزار عشق بازی گرفتار شدند.

مؤلف:

محمد صالح الفحطانی

با تقریظ شیخ القرآن و الحدیث:

مولانا محمد عثمان حفظه الله تعالى

مترجم:

محمد عمر ملازائی

سرشناسه	عنوان قرارداد
فقیات و الذئاب: قصص موثره و اعترافات مؤلمه لفتیات ... فارسی	عنوان و نام پدیدآور
دختران و گرگ‌ها: قصه‌هایی تاثیرگذار و اعترافاتی دردآور از دخترانی که در دام گرگ‌ها ... / مولف محمد صالح القحطانی: با تقریظ محمد عثمان؛ مترجم محمد عمر ملازایی.	مشخصات نشر
سنندج: آراس، ۱۳۹۴.	مشخصات ظاهری
۳۰۰ ص. ۱۳/۵ × ۲۱/۵ س.م.	شابک
۹۷۸-۶۰۰-۷۶۸۲-۱۵-۹	وضعیت فهرست نویسی
فیها	عنوان دیگر
قصه‌هایی تاثیرگذار و اعترافاتی دردآور از دخترانی که در دام گرگ‌ها ...	موضوع
دختران نوجوان -- مسائل اجتماعی و اخلاقی عثمان، محمد، مقدمه نویس	شناسه افزوده
ملازایی، محمد عمر، ۱۳۵۳، مترجم	شناسه افزوده
۳۰۴۱۱۳۹۴ ق/۱۱۵۵ HQ	رده بندی کنگره
۲۳۲۲/۳۰۵	رده بندی دیویی
۳۹۳۰۵۲۸	شماره کتابشناسی ملی



انتشارات آراس

دختران و گرگ‌ها

تألیف: محمد صالح القحطانی

ترجمه: محمد عمر ملازایی

طراح جلد: شعیب مکتب‌داری

ناشر: آراس

نوبت چاپ: اول - پاییز ۱۳۹۴

تیراژ: ۲۰۰۰

قیمت: ۹۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۸۲-۱۵-۹

مرکز پخش: سنندج پاساژ عزتی انتشارات آراس

تلفن: ۰۸۷-۳۳۱۲۸۳۴۱

ایمیل: arasbooks73@gmail.com

وبلاگ: arasku.blogfa.com

فهرست

۱۱	تقریظ شیخ القرآن والحديث مولانا محمد عثمان حفظه الله تعالى.....
۱۳	تقریظ از مولانا دوست محمد رئيسی حفظه الله تعالى.....
۱۵	مقدمه مترجم.....
۱۹	مقدمه ی مؤلف.....
۲۱	مکالمه تباهم کرد!!!.....
۲۵	آغازش بی حجابی و انتهایش!!!.....
۲۷	اعتراف های دانش آموز دختر!!!.....
۳۷	فاجعه!!!.....
۵۳	نهایت دختر آشفته!!!.....
۵۷	رسوائی!!!.....
۶۳	برای زن جایی جز خانه نیست!!!.....
۷۱	دختر سرگردان!!!.....
۷۳	سراب دوستی!!!.....
۷۷	بیداری خواهرم مرا از دام گرگ نجات داد!!!.....
۷۹	قربانی بیکاری!!!.....
۸۱	گام به گام به سوی جهنم!!!.....
۸۵	اعتراف هائی از دختران پشیمان!!!.....

- ۸۹ با مال فریم داد و بزرگترین سرمایه‌ام را به یغما برد!!!
- ۹۱ گرگ انسان نما!!!
- ۹۵ جزاء از جنس عمل!!!
- ۱۰۳ در جستجوی محبت گم شده!!!
- ۱۰۵ توبه دختری از دام عشق بازی!!!
- ۱۱۱ برادرم پاکدلی‌ام را به یغما برد!!!
- ۱۱۵ محل دفن دختر!!!
- ۱۲۱ خاطرات یک دختر پشیمان!!!
- ۱۲۳ بحران من با شیطان!!!
- ۱۲۴ قربانی گرگ‌های گرسنه!!!
- ۱۲۹ فریم داد و خواست غارتم کند!!!
- ۱۳۱ انتخاب اشتباه!!!
- یک دختر نوجوان... بخاطر محبتی زودگذر دست به خودکشی زد!!!
- ۱۳۵
- ۱۳۹ راه شیطان!!!
- ۱۴۳ اعتمادم را به بخاطر یک گرگ از دست دادم!!!
- ۱۴۵ سقوط آخرین مهره!!!
- ۱۴۷ خواهرم از گرگ‌ها پرهیز!!!
- ۱۴۹ خودم زندگی‌ام را تباه کردم!!!
- ۱۵۳ ارتباط تلفنی، و بازنده‌ی نهایی دختر نوجوان!!!

- این جنایتی است که من خودم علیه خودم انجام دادم!!! ۱۵۷
- اگر رحمت خدا نبود دوست بد مرا در باتلاق انداخته بود!!! ۱۵۹
- نردبان فریب!!! ۱۶۳
- آه... از تلفن!!! ۱۷۱
- دختری در چنگال گرگ ۱۷۳
- عشق و عشق‌بازی مرا به زندان انداخت!!! ۱۷۷
- بالاخره ماسک افتاد!!! ۱۷۹
- قربانی فراغت و گرگ انسان‌نما شدم!!! ۱۸۱
- توبه‌ی خانم عشق‌باز!!! ۱۸۳
- گرگ فریض داد و گوهر شرافتش را ربود!!! ۱۸۷
- رؤیای کارمندی آبرو و شرفش را از بین برد!!! ۱۸۹
- نزدیک بود خود و خانواده‌ام را در لجن زار فرو ببرم!!! ۱۹۱
- مهلت می‌دهد اما کاملاًرها نمی‌کند!!! ۱۹۵
- جوان رؤیاها!!! ۱۹۹
- اعترافات یک دختر دانشگاهی!!! ۲۰۳
- وهم و خیال ۲۰۹
- تماس‌های کورکورانه دختران جوان را نابود می‌کند ۲۱۱
- دختران اعتراف می‌کنند، که موبایل زندگی ما را نابود کرد!!! ۲۱۵
- دوستان بد!!! ۲۱۹
- رسوایی کلید!!! ۲۲۱

- ۲۲۳ پیامک‌ها سبب فرو رفتن من در این لجن زار شدند
- ۲۲۵ تصویرها و اندوه‌ها!!!
- ۲۲۹ فریاد یک دختر!!!
- ۲۳۹ او را فریب دادند!!!
- ۲۴۱ فریب گرگ!!!
- ۲۴۵ و در پایان
- ۲۴۷ راه علاج

- مکالمه تباهم کرد.
- سراب دوستی.
- بیداری خواهرم، از گرگ نجاتم داد.
- اعتراف‌هایی از دختران پشیمان.
- سقوط آخرین مهره.
- تماس‌های کورکورانه، دختران را به تباهی می‌کشند.
- با پول فریبم داد و بزرگترین سرمایه‌ام را به یغما برد.
- دختران اعتراف می‌کنند: «تلفن همراه، زندگی ما را برباد داد».

تقریظ شیخ القرآن والحديث مولانا محمد عثمان حفظه الله تعالى

الحمد لله نحمده و نستعينه و نسلم و نصلى على الافضل البرايا
شفيع الامم و على اله و صحبه و من تبعه و من هدى بهديه
اجمعين، قال الله تعالى ﴿وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا
مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾^۱ كتاب موسوم به
«دختران و گرگ‌ها» از نامش، موضوع و پیامش روشن است، و این
کتاب در موضوع خود کم نظیر است و برای نابودی فتنه‌ها و
چالش‌های فتنه‌گران درّی محکم و قوی است و برای امنیت جامعه
مسلمانان مفید و ارزشمند است. جهت در امان ماندن تمام
خانواده‌ها اشد لازم و ضروری است. از الله تعالی برای مؤلف و
مترجم اجر و پاداش عظیم را آرزو مندیم.

(شیخ القرآن و الحديث مولانا) محمد عثمان حفظه الله تعالى، اجماعی الاول

۱۴۳۴ برابر با ۲ فروردین ۱۳۹۲

(بانی و مدیر جامعه اسلامی مدینة العلوم امام جمعه محترم، محبوب و مردمی
مسجد الخلیل خاش)

تقریظ از مولانا دوست محمد رئیسی (حفظه الله)

نحمد الله تعالى و نصلی و نسلّم علی رسولہ الکریم، اما بعد:
 از آن جایی که الله جل جلاله می فرماید: ﴿لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَلَٰكِن تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾^۲ «البته در سرگذشت آنها برای خردمندان درس عبرتی است» و این در حالی است که بخش عظیمی از کلام الله مجید متشکل از قصص و اخبار گذشتگان است، به این نکته اشاره دارد که ما این امت از انجام و عاقبت پیشینیان که به اوامر و نواهی الهی توجه نداشته اند به چه سرنوشت بد و شومی گرفتار شده اند، متوجه شویم، فلذاست که خواندن و دقّت در قصص و اتفاقات رخ داده دوس بزرگی برای هر خواننده و شنونده خواهد شد که بدون پرداخت هزینه ای تجربیات ارزشمندی را حاصل می نماید و این در حالی است که خود قربانیان این اتفاقات با پرداخت قیمتی گراف (آبرو، جان و مال) صاحب این تجربه شده اند. کتاب پیش رو کتابی است بسیار ارزشمند که عزیزمان جناب مولانا محمد عمر ملازائی آن را از زبان عربی به زبان شیرین فارسی برگردانیده که خداوند به مؤلف و

مترجم اجر عظیم عنایت فرماید. از این رو به تمام جوانان عزیز و به ویژه دختران محترمه توصیه می‌کنم که در کنار مطالعه‌ی این کتاب از محتویات آن درس گرفته و زندگی شرافتمندانه‌ای در دنیا و آخرت حاصل نمایند.

مولانا دوست محمد رئیسی:

مدیر دارالعلوم رحمانیه نصیرآباد سرباز

بیستم اسفند ۱۳۹۱ هـ. ش

www.ketab.ir

مقدمه مترجم

نحمده و نصلى على رسوله الكريم،

اما بعد، کتابی که در دست دارید در واقع دردنامه‌ای دختران و خواهرانی است که از روی سادگی و حتی پاکدلی خود، در دام گرگ‌های انسان‌نما گرفتار شدند، و زمانی از خواب غفلت بیدار شدند که گوهر عفت و حیا از کفشان ربوده شده بود. به طور کلی این کتاب را برای همه و به طور ویژه برای سه گروه ترجمه کردم:

۱- دختران

۲- اولیای آنها

۳- گرگ‌ها انسان‌نما

گروه اول، دخترانی که اکثراً از روی سادگی و بی‌خبری خود گرفتار دام‌های شیاطین شده و زمانی از دنیای رؤیایی خود به دنیای واقعی چشم گشودند که همه‌ی راه‌ها را بر خود بسته و از کمک گرفتن پدر، برادر، مادر و یا هر فرد دانا و دلسوز دیگری ترسیدند! و برای حفظ آبرو، خود را هر چه بیشتر در لجن‌زار فلاکت و نابودی گرفتار کردند.

خواهرم، گام نخست از سوی تو بود! اگر تو چراغ سبز نشان نمی‌دادی، مرد و یا بهتر بگویم گرگ جلو نمی‌آمد، اگر تو با جملات و کلمات نرم و دلنشین پاسخ‌گوی نگاه‌های هوسناک وی

نبودی و اگر تو دروازه را بر روی گِرج باز نمی‌کردی جرأت نداشت که در حریم تو قدم بگذارد. پس آگاه باش و اندز گیر! گروه دوم، والدین دختران، آنان که تمامی اسباب راحتی و آسایش مادی و دنیوی؛ اعم از ماهواره، موبایل، اینترنت و... را برای دختران‌شان فراهم کرده‌اند، اما از تربیت دینی آن‌ها غافل شده و توجهی ندارند که دخترشان کجا می‌رود، با چه کسی ارتباط دارد، چه فیلم و سریالی را دنبال می‌کند، آیا اخلاقش اسلامی بوده و نهایتاً عبادتش در چه سطحی است؟ ای پدر و مادر گرامی وظایف خود را بدانید و به خوبی انجام دهید.

گروه سوم، گِرج‌ها؛ آن‌هایی که خودشان را زرنگ تصور کرده و دختران ساده را به دام می‌اندازند، غافل از این که از هر دست که بدهی از همان دست می‌گیری! هر چه کنی به خود کنی، و روزی می‌رسد که خود و خانواده‌شان در منجلاب بدبختی و دمی که برای دیگران گسترانده‌اند گرفتار خواهند شد، ای گِرج‌انسان‌نما! باز آ قبل از این که گرفتار عذاب الهی شوی و خواری و ذلت دنیا و آخرت گریبان گیرت شود.

گریسد و سوزد و افروزد و نابود شود

هر که چو شمع بخندد به شبِ تار کسی

بی‌گمان دست در آغوش نگار شب برنند

هر که یک بوسه ستاند ز لبِ یار کسی

در پایان بر خود لازم می‌دانم از تمامی عزیزانی که به نحوی با بنده همکاری داشته‌اند تشکر و قدردانی نمایم، به ویژه از زحمات فراوان برادرانم مولوی حاتم کریم‌زائی و مولوی شریف رسولی زاده

که در برگردان این مجموعه با بنده همکاری نموده‌اند و همچنین از دوست گرامی ام جناب مولوی محمد قاضی که زحمت تطبیق ترجمه با اصل کتاب را متحمل شده‌اند و نیز از برادرانم جناب حاجی فیصل بهرام‌زهی و عبدالله گهرام‌زهی که در حروف‌چینی قسمتی از کتاب همکاری نموده‌اند و از برادرم لیاقت علی رندی که زحمت ویرایش این مجموعه را متحمل شدند از صمیم قلب تشکر و قدردانی می‌نمایم فجزاهم الله احسن الجزاء.

و از خداوند منان مسئلت دارم که برگردان این کتاب را به درگاه خویش شرف قبولی بخشیده و در زمره‌ی حسنام محسوب گرداند (آمین). باعث دلگرمی، خوشحالی و افزایش روحیه است اگر بدانیم این مجموعه سبب هدایت برادر، خواهر، و یا وظیفه‌شناسی پدر، برادر و... گشته است، لذا اگر با نامه و یا هر وسیله‌ی دیگری به بنده اطلاع دهند، ممنون می‌شوم و اگر دوست داشتید داستان شما سبب هدایت و عبرت خواهر و یا برادری قرار بگیرد برای مترجم ارسال دارید تا در مجموعه‌ای مستقل منتشر گردد.

(إن ارید إلا الإصلاح ما استطعت وما توفيقي إلا بالله علیه توكلت و إليه انیب)

محمد عمر ملازهی علی‌آبادی
دارالعلوم رحمانیه مهیرآباد سرساز
دوم ذی‌القعدة ۱۴۳۳ هـ -
برابر با ۲۸ شهریور ۱۳۹۱ - ش
۰۵۴۸۴۶۸۳۳۳۴ - ۰۹۱۵۸۶۸۲۴۶۴

مقدمه‌ی مؤلف

الحمد لله و كفى و سلام على عباده الذين اصطفى، و أشهد أن لا إله إلا الله و هذه لا شريك له، و أشهد أن محمداً عبداً لله و رسوله و صفيه من خلقه و خليفه، بلغ الرسالة و أدى الأمانة و قادنا إلى رضوان الله عليه و على آله و أصحابه و سلم تسليماً كثيراً.

اما بعد:

آنچه پیش روی شماست اعترافات و شکایت‌هایی هستند که دل‌های زخمی، عقل‌های حیران و اشک‌های روان، پس از آن‌که دست غفلت آن‌ها را ربوده و بر آن‌ها حجاب - پرده دردمندی پوشانده و بر تار و پود آن‌ها عطش گناه را نواخته بود منتشر نموده‌اند، و دگر بار به طریق و راه هدایت یافته‌گان بازگشته و بر عمری که بر درب هلاکت گذرانده بودند پشیمان گشته‌اند.

این رساله‌ای است که آن را برای همه‌ی دختران منتشر کرده و

می‌گویم:

يا أختنا توبي لربك واذر في الدمع الغزير

صوني عفافك يا عفيفة واطركي أهل السفور

لا تسمعي قول الخلاعة والميوعة والفجور

فستذكسري نصيحتي يوم السماء غداً تمور

في يوم يصيح الضالم يا ويلتاه ويا ثبور

- (۱) خواهرم به سوی پروردگارت بازگردد و اشک زیاد بریز.
 (۲) عفتت را حفظ کن ای عقیقه؛ و همراهی بی‌حجابان را ترک کن.

- (۳) به سخن فریب‌کاران مست و اهل فسق و فجور گوش مکن.
 (۴) فردا زمانی که آسمان تکه‌تکه شود نصیحتم را یاد خواهی کرد.

- (۵) آن روز که ظالم فریادِ ای افسوس و ای هلاکت سر دهد.
 خواهرم، قبل از این که فرصت را از دست بدهی از خدا بترس!
 تو مادر، خواهر، همسر و دختر هستی! تو اُمّت هستی! زیرا صلاح
 تو صلاح اُمّت است و فساد تو فساد اُمّت است.
 چرا خودت را به خطر انداختی؟؟

خواهرم، از این بیماریِ مجردی بپرهیز، من خیر خواه تو هستم
 این قصه‌ها و زخم‌های دردآور را جمع آوری نکردم مگر این که
 پندی برای پندپذیران و بیداری برای خفته‌گان و نورِ روشنائی
 بخشی برای رهروان باشد... از خداوند می‌خواهم که مادران،
 همسران، خواهران، دختران و تمام زنان مسلمان را حفظ بفرماید.
 در دعا‌های غایبانه‌تان ما را فراموش نکنید.

برادر شما:

محمد صالح القحطانی